**چکیده**

**حجاب یکی از منطقی ترین و استوارترین مسائلی است که در دین اسلام وجود دارد و بر روی آن تأکید زیادی شده است. ولی دشمنان برای از بین بردن و یا کمرنگ کردن آن از هیچ کوششی دریغ نمی ورزند.**

**در اول بحث به تاریخچه ی حجاب در دوران قبل از اسلام می پردازیم. بعد از ان به دلایل وجوب حجاب که از سه شیوه قابل اثبات است، اشاره می کنیم: ۱) قرآن: خداوند متعال در قرآن کریم دو بار دستور صریح به حفظ حجاب و پوشش داده است. یکی در سوره نور آیه ۳۱ و دیگری در آیه ۵۹ سوره احزاب. ۲) روایات: در روایاتی که از اهل بیت(علیهم السلام) نقل شده، بسیار به حفظ حجاب و پوشش تأکید شده و در برخی از روایات عاقبت افراد بی حجاب آمده است که به آنها خواهیم پرداخت. ۳) عقل و منطق: این بخش شامل دلایل عقلی برای اثبات حجاب است که آن دلایل عبارتند از: ارزش والای زن، آرامش زن، تحکیم خانواده و عامل استواری جامعه. در بخش دیگری به برخی از شبهات رایج در مورد حجاب پاسخ داده می شود.**

**در بخش عفاف هم بعد از تعریف آن، به آیاتی که در آن شده از عفاف بحث است می پردازیم که آن آیات عبارتند از: آیه ۲۷۳ سوره بقره و آیه ۳۳ سوره نور. و بعد از آن به روایات ائمه معصومین(علیهم السلام) اشاره می شود. و در آخر این بحث به کلام مقام معظم رهبری اشاره خواهد شد.**

**در بخش حیا نیز به آیه ای از قرآن که در آن از حیا بحث شده است، پرداخته می شود و آن آیه، آیه ی ۲۵ سوره قصص می باشد. بعد از آن به روایاتی که در این بحث آمده، اشاره و بعد از آن به کلام اندیشمندان مسلمان و غیر مسلمان در رابطه با حیا، می پردازیم.**

**مقدمه**

**بیشترین انحرافات و کج روی ها در نسل جوان دیده می شود و ریشه ی همه ی این کج روی ها را باید در نوع بینش و عقاید آنها نسبت به مسائل دینی، مشاهده کرد.**

**یکی از مسائلی که دشمنان اسلام روی آن بسیار سرمایه گذاری کرده اند، رواج بی حجابی و برداشتن چادر و یا روسری از سر خانم ها است. دشمنان با استفاده از دلایل پوچ و بی ارزش، این پوشش الهی را زیر سوال می برند و آن را نوعی زندانی کردن زن می دانند. دلایل آنها شاید در نگاه اول شیرین و جالب به نظر آید ولی انسان متفکر و با بصیرت، با اندکی تأمل و تحقیق در می یابد که کسانی که مخالف حجاب هستند به دنبال چه چیزی می گردند و چرا اینقدر بر این مسئله تأکید دارند.**

**یکی از مهمترین و شاید اصلی ترین چیزی که غربی ها و مخالفان حجاب به دنبال آن هستند، مسئله ی ((آزادی زن)) است. و مسلم است کسانی که در پی سود جویی از زنان هستند، بیشتر به حجاب و دلایل آن خُرده می گیرند.**

**آنچه به عنوان آزادی زن مطرح می شود، در واقع آزادی زن نیست بلکه آزادی مرد است. آزادی مرد در اینکه خیلی راحت به هر زنی خواست نگاه کند و یا اینکه با هر زنی خواست ارتباط برقرار کند و او را وسیله ی التذاذ خود گرداند. زن باید آرایش کند تا مرد لذت ببرد، زن باید بدن و صورت خود را از بین ببرد تا مرد سود آن را ببرد. همیشه با خود می گویم یعنی یک زن اینقدر ارزش خود را پایین می داند که حاضر است، ساعت ها روی چهره و اندام خود کار کند تا مثلاً یک مرد به او علاقه نشان دهد و آن هم چه علاقه ای. علاقه ای که با ارضا شدن مرد از بین می رود و در آخر هم این زن است که ضرر و زیان دیده است نه مرد.**

**غربی ها که امروز دم از دفاع از حقوق زنان می زدند، تا چند سال پیش زن را مانند یک کسی می دانستند که فقط به درد التذاذ مرد می خورد. اصلاً زمزمه ی آزادی زن از سوی غربی ها، از قرن نوزدهم شروع شد. در آن موقع مدیران کارخانه ها به دنبال نیروی کاری می گشتند که ارزان قیمت، کم درد سر، کم توقع و… باشد و از همان جا مسئله ی آزادی زنان را سر دادند و زنان را از خانه هایشان به سوی کارخانه ها کشیدند و با این کار از ارزش و کرامت زن کاستند و بر پولهای خود افزودند.**

**در اینجا با استفاده از کلام شیوای مقام معظم رهبری، یک نمونه از نگاه های غرب نسبت به زن و مقایسه ی آن با دین اسلام را مطرح می کنیم. حضرت آیت الله خامنه ای(قدس سره) می فرمایند: « در همین کشور‌های غربی، تا چند سال قبل از این – نه خیلی زیاد – زنانی که در مراکز آموزش عالی تحصیل می‏کردند، حق نداشتند مدرک کتبی تحصیلات عالی خودشان را بگیرند! در همین اواخر، در بعضی از کشور‌های غربی – از جمله در انگلستان – یکی از مجلاتّ یکی از کشور‌های غربی – که نمی‏خواهم از آن کشور و از آن مجلّه اسم بیاورم – پیرزنی را معرفی کرده بود که در سال ۱۹۱۷ – یعنی تقریباً هفتاد سال قبل – در حدّ دکترا تحصیلات عالیه کرده است؛ لیکن به او مدرک تحصیل نداده‏اند! بعد سؤال می‏کند، چرا مدرک تحصیل نداده‏اند؟ می‏گوید که چون تا سال ۱۹۴۷ در انگلستان، به زنانی که تحصیل می‏کردند، مدرک تحصیلی نمی‏دادند و می‏گفتند که زن نباید مدرک تحصیلی بگیرد! این‌ها امروز آمده‏اند و در مقابل جمهوری اسلامی، مدّعی حقوق زن شده‏اند! در همان سالهایی که چنین حقارتهایی در فرهنگ غربی مشاهد می‏شد، در ایران اسلامی، «بانوی اصفهانی» اجازه اجتهاد از مجتهدان درجه اوّلِ آن روز اسلام داشت و در اصفهان، حوزه تدریس فلسفه و فقهش دایر بود! اسلام، این است.» (۱)**

**در دین اسلام برای زن ارزش و اهمیت بسیاری قائل شده است که برخی از آنها در بین مباحث اشاره می کنیم.**

**تاریخچه ی حجاب**

**یکی از مسائلی که مخالفان حجاب روی آن بسیار تاکید دارند این است که می گویند؛ در زمان های قدیم زنان یونان و یا ایران باستان و پیروان یهود وظیفه ای نسبت به حفظ حجاب نداشته اند و با آمدن اسلام حجاب به عنوان یک تکلیف برای زنان مطرح شد.**

**شواهد تاریخی حاکی از آن است که در اکثر اقوام و آیین های جهان، حجاب در بین زنان وجود داشته است. هر چند در بعضی از دوره ها، توسط حکام و پادشاهان این مسئله کم رنگ شده ولی هیچ گاه به طور کامل از بین نرفته است.**

**با این توضیحات، نگاهی به دوران های مختلف می اندازیم:**

**۱- پوشش زن در یونان و روم باستان**

**دایره المعارف لاروس درباره پوشش زنان یونان می گوید: ((زنان یونانی در دوره های گذشته، صورت و اندامشان را تا روی پا می پو شاندند. این پوشش که شفاف و بسیار زیبا بود، در جزایر کورس و امرجوس و دیگر جزایر ساخته می شد. زنان فنیقی نیز دارای پوششی قرمز بودند)).**

**در « اسپارته » دختران تا موقع ازدواج آزاد بودند، ولی بعد از ازدواج خود را ازچشم مردان می پوشاندند. نقش هایی که برجای مانده ، حکایت می کند که زنان سررا می پوشانده، ولی صورت هایشان بازبوده است، ووقتی به بازار می رفتند، برآنان واجب بوده است که صورت هایشان را بپوشانند، خواه باکره و خواه دارای همسر باشند. حجاب در بین زنان سیبری وساکنان آسیای صغیر وزنان شهرماد ( وفارس وعرب) نیزوجود داشته است. زنان رومانی ازحجاب شدیدتری برخوردار بوده اند، به طوری که وقتی ازخانه خارج می شدند، با چادری بلند تمام بدن را تا روی پاها می پوشاندند وچیزی ازبرآمدگی های بدن مشخص نمی شد. (۲)**

**ویل دورانت نویسنده مشهور غربی در کتاب خود با نام تاریخ تمدن درباره ی «الهه عفت» که یکی ازخدایان یونان باستان است، می گوید :«آرتمیس» ،الهه عفت است و عالی ترین نمونه (والگو برای) دختران جوان به شمار می آید که دارای بدنی نیرومند و ورزیده وچابک وبه زیور عفت وتقوا آراسته است. (۳)**

**همچنین درباره مردم یکی ازقبائلی که نهصد سال قبل ازمیلاد زندگی می کرده اند، آمده است: ((بالاتر از ارمینان ودرکنار دریای سیاه، «سکاها» بیابانگردی می کردند. آنها مردم وحشی و درشت اندام قبائل جنگی نیمه مغول و نیمه اروپایی بسیار نیرومندی بودند که در ارابه به سر می بردند وزنان خود راسخت در پرده نگاه می داشتند)). (۴)**

**همچنین این مورخ در جای دیگری می نویسد: ((زنان فقط درصورتی می توانند خویشان ودوستان خود راملاقات کنند ودرجشن های مذهبی و تماشاخانه ها حضور یابند که کاملا درحجاب باشند)). (۵)**

**۲- پوشش زن در ایران باستان:**

**در مورد پوشش زنان ایران باستان مطالب زیادی وجود دارد که به آنها اشاره خواهیم کرد. ویل دورانت درباره پوشش زنان ایران باستان و این که حجاب بسیار سختی دربین آنان رایج بوده است، می گوید : (( زنان طبقات بالای اجتماع جرأت آن را نداشتند که جز درتخت روان روپوش دار ازخانه بیرون بیایند. هرگز به آنان اجازه داده نمی شد که آشکارا با مردان اختلاط کنند. زنان شوهردارحق نداشتند هیچ مردی را ،ولو پدر یا برادرشان باشد، ببینند. در نقش هایی که درایران باستان برجای مانده ، هیچ صورت زن دیده نمی شود ونامی از ایشان به نظر نمی رسد)). (۶)**

**همچنین درتفسیر اثنی عشری آمده است: ((تاریخ نشان می دهد که حجاب در فرس قدیم وجود داشته است)).(۷)**

**درکتاب «پوشاک باستانی ایرانیان» آمده : ((اصلی که باید درنظر داشت ، این است که طبق نقوش برجسته و مجسمه های ماقبل میلاد، پوشاک زنان آن دوره (مادها) ازلحاظ شکل (باکمی تفاوت) با پوشاک مردان یکسان است)). (۸)**

**بعد از مادها، هخامنشیان نیز ازنظر لباس همانند مادها بودند. درمورد پوشاک خاص زنان این دوره آمده است: ((ازروی برخی نقوش مانده از آن زمان ، به زنان بومی برمی خوریم که پوششی جالب دارند. پیراهن آنان پوششی ساده وبلند یا دارای راسته چین و آستین کوتاه است . به زنان دیگر آن دوره نیز برمی خوریم که ازپهلو به اسب سوارند . اینان چادری مستطیل برروی همه لباس خود افکنده ودر زیر آن ، یک پیراهن با دامن بلند ودر زیر آن نیز ،پیراهن بلند دیگری تا به مچ پا نمایان است)). (۹)**

**در دوره اشکانیان نیز هماهنند گذشته، حجاب زنان ایرانی کامل بوده است. دراین باره چنین می خوانیم : ((لباس زنان اشکانی پیراهنی بلند تا روی زمین، گشاد، پرچین، آستین دار و یقه راست بوده است. پیراهن دیگری داشته اند که روی اولی می پوشیدند وقد این یکی نسبت به اولی کوتاه و ضمنا یقه باز بوده است. روی این دو پیراهن چادری سر می کردند)). (۱۰)**

**زنان در دوره ساسانیان که احکام دینی زرتشتیان درکشور اعمال می شده است، همچنان دارای حجاب کامل بودند. درمورد پوشاک زنان چنین آمده است : ((چادر که از دوره های پیش مورد استفاده بانوان ایران بوده است ، دراین دوره نیز به صورت مختلف مورد استعمال داشته است)). (۱۱) ۳- پوشش زن در ادیان بزرگ الهی**

**حجاب درآیین یهود:**

**دراصول اخلاقی «تلمود» که یکی از کتاب های مهم دینی و درحقیقت فقه مدوّن و آیین نامه زندگی یهودیان است، آمده : ((اگرزنی به نقض قانون یهود می پرداخت، چنانچه مثلا بی آنکه چیزی برسر داشت به میان مردم می رفت ویا در شارع عام نخ می رشت یا با هرسنخی ازمردان درد دل می کرد یا صدایش آنقدر بلند بود که چون درخانه اش تکلم می نمود ، همسایگانش می توانستند سخنان او را بشنوند ، درآن صورت مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد)). (۱۲)**

**حجاب درآیین مسحیت:**

**در کتاب انجیل آمده است : پولس دررساله خود به قرنتیان تصریح می کند :**

**«اما می خواهم شما بدانید که سر هر مرد ، مسیح است و سر زن ، مرد و سر مسیح ، خدا. هر مردی که سر پوشیده دعا یا نبوت کند سر خود را رسوا می نماید . اما هرزنی که سر برهنه دعا کند ، سر خود را رسوا می سازد ؛ زیرا این چنان است که تراشیده شود. زیرا اگر زن نمی پوشد ، موی را نیز ببرد واگر زن را موی بریدن یا تراشیدن قبیح است ، باید بپوشد ؛ زیرا که مرد اززن نیست ، بلکه زن از مرد است و نیز مرد به جهت زن آفریده نشده ، بلکه زن برای مرد. ازاین جهت زن می باید عزتی بر سر داشته باشد به سبب فرشتگان … دردل خود انصاف دهید آیا شایسته است که زن نا پوشیده نزد خدا دعا کند.» (۱۳)**

**ونیز درانجیل ، دررساله پولس ، به تیمو ثیوس می گوید : « و همچنین زنان خود را بیارایند به لباس حیا و پرهیز، نه به زلف ها وطلا و مروارید ورخت گران بها ، بلکه چنان که زنانی را می شاید که دعوای دینداری می کنند به اعمال صالحه». (۱۴)**

**دلایل وجوب حجاب**

**اثبات حجاب و پوشش برای بانوان از چند راه امکان پذیر است، که عبارتند از:**

**قرآن ، روایات معصومین(علیهم السلام) و عقل و منطق.**

**هر کدام از این موارد به تنهایی برای اثبات ضرورت حجاب بانوان کافی است. ما به یاری خدا همه آنها را به تفصیل بیان خواهیم کرد.**

**۱) قرآن**

**«حجاب اسلامی»**

**یکی از مهمترین دلایل وجوب حجاب آیه ۳۱ سوره نور است که خداوند تبارک و تعالی می فرماید:**

**«وَقُل لِّلْمُؤْمِنَاتِ یَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَیَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا یُبْدِینَ زِینَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْیَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُیُوبِهِنَّ وَلَا یُبْدِینَ زِینَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاء بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاء بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِی إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِی أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَکَتْ أَیْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِینَ غَیْرِ أُوْلِی الْإِرْبَهِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِینَ لَمْ یَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاء وَلَا یَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِیُعْلَمَ مَا یُخْفِینَ مِن زِینَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِیعًا أَیُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ»**

**«و به زنان با ایمان بگو چشمهاى خود را (از نگاه هوس‏آلود) فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را- جز آن مقدار که نمایان است- آشکار ننمایند و (اطراف) روسرى‏هاى خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)، و زینت خود را آشکار نسازند مگر براى شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدر شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم‏کیششان، یا بردگانشان (کنیزانشان‏)، یا افراد سفیه که تمایلى به زن ندارند، یا کودکانى که از امور جنسى مربوط به زنان آگاه نیستند و هنگام راه رفتن پاهاى خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانیشان دانسته شود و همگى بسوى خدا بازگردید اى مؤمنان، تا رستگار شوید»**

**از این آیه شریفه چند نکته استفاده می شود که عبارتند از:**

**۱) پرهیز از نگاه هوس آلود.**

**۲) پوشاندن عورت از دیگران (این حکم برای هر مرد و زن مسلمان واجب است).**

**۳) پنهان کردن زینتها (به غیر از مواردی که آشکار است).**

**۴) پوشاندن سر و گردن.**

**۵) جواز آشکار نمودن زینتها و بدن در برابر محارم و یا افراد خاص.**

**الف) سَتر عورت**

**دستور دومی که خداوند متعال فرموده است، حفظ فرج است. منظور از این دستور، پوشانیدن از نگاه دیگران است چنانکه حضرت امام جعفر صادق(علیه السلام) می فرمایند: «کل شئ فی القرآن من حفظ الفرج فهو من الزنا إلا هذه الآیه فإنها من النظر» (هر آیه ای که در قرآن سخن از حفظ فروج می گوید، منظور حفظ کردن از زنا است، جز این آیه که منظور از آن، حفظ کردن از نگاه دیگران است). (۱۵)**

**یکی از مسائلی که با آمدن اسلام در میان اعراب واجب شد، مسئله ی پوشاندن عورت از دیگران است. متأسفانه در دنیای متمدن کنونی نیز عده ای از غربیها این مسئله را انکار می کنند.**

**به طور مثال راسل در یکى از کتابهایش به نام (در تربیت) یکى از چیزهایى که از جمله اخلاق بى منطق و به اصطلاح «اخلاق تابو» مى‏شمارد همین مسأله پوشانیدن عورت است.**

**وى مى‏گوید چرا پدران و مادران اصرار مى‏ورزند که عورت خود را از بچه بپوشانند؟ این اصرار خود سبب تحریک حس کنجکاوى بچه‏ها مى‏گردد. اگر کوشش والدین براى کتمان عضو تناسلى نباشد چنین کنجکاوى کاذبى وجود پیدا نخواهد کرد. باید والدین عورت خود را به بچه‏ها نشان بدهند تا آنها هرچه که وجود دارد از اول بشناسند.**

**بعد اضافه مى‏کند: لااقل گاهى اوقات- مثلًا هفته‏اى یک بار- در صحرا یا حمام برهنه شوند و عورت خود را در معرض دید بچه‏ها قرار دهند.**

**راسل مسأله مخفى کردن عورت را یک «تابو» مى‏داند. «تابو» از موضوعات بحث جامعه شناسى است و به تحریمهاى ترس‏آور و بى‏منطق گفته مى‏شود که در میان ملل وحشى وجود داشته و دارد. به عقیده امثال راسل اخلاق رایج در جهان متمدن امروز نیز پر از «تابو» است.**

**عجیب است که بعضی از افراد به نام تمدن و یا از بین بردن حس کنجکاوی، می خواهند به بدترین و زشت ترین زندگی ها برگردند.**

**خداوند متعال، ستر عورت را برای مردان هم واجب دانسته و در آیه ۳۰ سوره نور می فرماید: « قُل لِّلْمُؤْمِنِینَ یَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَیَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ…» (به مؤمنان بگو چشمهاى خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند، و عفاف خود را حفظ کنند) و در ادامه فلسفه و منطق این مسئله را بیان می فرماید: «ذَلِکَ أَزْکَى لَهُمْ» (این برایشان پاکیزه‏تر است)‏ و این جمله در واقع پاسخی برای جاهلان قدیم و جدید است که این ممنوعیتها را بی منطق می دانند.**

**ب) زینت**

**دستور بعدی خداوند پوشاندن زینت است. درباره ی زینتهایی که زن باید آنرا بپوشاند، نظرات زیادی آمده ولی آنچه که مشهور است این است که: عده ای آنرا به معنی، «زینت آلات» گرفته اند منتها در حالی که روی بدن قرار گرفته و طبیعی است که آشکار کردن چنین زینتی توأم با آشکار کردن اندامی است که زینت بر آن قرار دارد. (۱۶) به این ترتیب زنان حق ندارند زینت هایی را که معمولا پنهان است را آشکار سازند.**

**آشکار کردن زینتها در آیه ای دیگر از قرآن مجید مورد نهی قرار گرفته است. در آیه ۳۳ سوره احزاب خطاب به همسران پیامبر(صلی الله علیه و آله) آمده است: «وَ قَرْنَ فِی بُیُوتِکُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِیَّهِ الْأُولَى…» (و در خانه‏هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینتهاى خود را آشکار مکنید).**

**درباره جمله ی استثناء « إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» هم تفاسیر و روایات بسیاری وجود دارد که ما به بعضی از روایات اشاره می کنیم:**

**۱٫ «عَنْ زُرارَهَ عَنْ ابى عَبْدِاللَّهِ عَلَیْهِ السَّلامُ فى قَوْلِهِ تَعالى‏: «الّا ما ظَهَرَ مِنْها» قالَ: الزّینَهُ الظّاهِرَهُ الْکُحْلُ وَالْخاتَمُ» (از امام صادق سؤال شد که مقصود از زینت آشکار که پوشیدنش براى زن واجب نیست چیست؟ فرمود زینت آشکار عبارت است از سرمه و انگشتر). (۱۷)**

**۲٫ «و الْقُمّىِّ عَنْ الباقر علیه السلام فى هذِهِ الْایَهِ، قالَ: هِىَ الثِّیابُ وَالْکُحْلُ وَ الْخاتَمُ وَ خِضابُ الْکَفِّ وَ السِّوارُ. وَالزّینَهُ ثَلاثٌ: زینَهٌ لِلنّاسِ وَ زینَهٌ لِلْمَحْرَمِ وَ زینَهٌ لِلزَّوْجِ، فَامّا زینَهُ النّاسِ فَقَدْ ذَکَرْناها، وَ امّا زینَهُ الَمحْرَمِ فَمَوْضِعُ الْقِلادَهِ فَما فَوْقَها وَ الدُّمْلُجُ وَ مادونَهُ وَالْخَلْخالُ وَ ما اسْفَلُ مِنْهُ، وَ امّا زینَهُ الزَّوْجِ فَالْجَسَدُ کُلُّهُ».**

**(امام باقر علیه السلام فرمود: زینت ظاهر عبارت است از جامه، سرمه، انگشتر، خضاب دستها، النگو. سپس فرمود زینت سه نوع است: یکى براى همه مردم است و آن همین است که گفتیم. دوم براى محرمهاست و آن جاى گردنبند به بالاتر و جاى بازوبند به پایین و خلخال به پایین است. سوم زینتى است که اختصاص به شوهر دارد و آن تمام بدن زن است). (۱۸)**

**۳٫ «عَنْ ابى بَصیرٍ عَنْ ابى عَبْدِاللَّهِ علیه السلام قالَ سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «وَلایُبْدینَ زینَتَهُنَّ الّا ما ظَهَرَ مِنْها». قالَ: الْخاتَمُ وَالْمَسَکَهُ وَ هِىَ الْقُلْبُ». (ابوبصیر مى‏گوید از امام صادق علیه السلام تفسیر «الّا ما ظَهَرَ» را خواستم، فرمود عبارت است از انگشتر و دستبند). (۱۹)**

**۴٫ «عَنْ بَعْضِ اصْحابِنا عَنْ ابى عَبْدِاللَّهِ علیه السلام قال: قُلْتُ لَهُ: ما یَحِلُّ لِلرَّجُلِ مِنَ الْمَرْأَهِ انْ یَرى‏ اذا لَمْ یَکُنْ مَحْرَماً؟ قالَ: الْوَجْهُ وَ الْکَفّانِ وَ الْقَدَمانِ». (راوى که یک شیعه است مى‏گوید: از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم که براى مرد نگاه کردن به چه قسمت از بدن زن جایز است درصورتى که محرم او نباشد؟ فرمود چهره و دو کف دست و دو قدم). (۲۰)**

**این روایت متضمّن حکم جواز نظر بر وجه و کفّین است نه حکم عدم وجوب پوشیدن آنها، و اینها دو مسأله جداگانه مى‏باشند.**

**۵٫ «اسماء» دختر ابوبکر- که خواهر عایشه بود- به خانه پیغمبر اکرم آمد درحالى که جامه‏هاى نازک و بدن نما پوشیده بود. رسول اکرم روى خویش را از او برگرداند و فرمود: «یا اسْماءُ انَّ الْمَرْأَهَ اذا بَلَغَتِ الْمَحیضَ لَمْ تَصْلُحْ انْ یُرى‏ مِنْها الّا هذا و هذا- وَ اشارَالى‏ کَفِّهِ وَ وَجْهِهِ». (اى اسماء! همینکه زن به حد بلوغ رسید سزاوار نیست چیزى از بدن او دیده شود مگر این و این- اشاره فرمود به چهره و قسمت مچ به پایین دست خودش-). (۲۱)**

**ج) حدود پوشش**

**بعد از این استثنا این جمله آمده است: «وَ لْیَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلى‏ جُیوِبِهِنَّ» (روسرى خود را بر روى سینه و گریبان خویش قرار دهند). البته مقصود از این آیه پوشیدن سر و گردن و گریبان است. در تفسیر کشّاف، در ذیل همین آیه آمده که؛ زنان عرب معمولًا پیراهنهایى مى‏پوشیدند که گریبانهایشان باز بود و دور گردن و سینه را نمى‏پوشانید. روسریهایى هم که روى سر خود مى‏انداختند از پشت سر مى‏آویختند و به این صورت گوشها و بناگوشها و گوشواره‏ها و جلو سینه و گردن نمایان مى‏شد. این آیه دستور مى‏دهد که باید قسمت آویخته همان روسریها را از دو طرف روى سینه و گریبان خود بیفکنند تا قسمتهاى یاد شده پوشیده گردد.**

**ابن عباس در تفسیر این جمله گفته است: «تُغَطّى شَعْرَها وَصَدْرَها و تَرائِبَها وَ سَوالِفَها» (یعنى زن مو و سینه و دور گردن و زیر گلوى خود را بپوشاند). (۲۲)**

**این آیه حدود پوشش را مشخص مى‏کند.**

**در ذیل این آیه شیعه و سنّى روایت کرده‏اند که:**

**روزى در هواى گرم مدینه زنى جوان و زیبا درحالى که طبق معمول روسرى خود را به پشت گردن انداخته**

**و دور گردن و بناگوشش پیدا بود از کوچه عبور مى‏کرد. مردى از اصحاب رسول خدا از طرف مقابل مى‏آمد. آن منظره زیبا سخت نظر او را جلب کرد و چنان غرق تماشاى آن زیبا شد که از خودش و اطرافش غافل گشت و جلو خودش را نگاه نمى‏کرد. آن زن وارد کوچه‏اى شد و جوان با چشم خود او را دنبال مى‏کرد. همان‏طور که مى‏رفت ناگهان استخوان یا شیشه‏اى که از دیوار بیرون آمده بود به صورتش اصابت کرد و صورتش را مجروح ساخت. وقتى به خود آمد که خون از سر و صورتش جارى شده بود. با همین حال به حضور رسول اکرم رفت و ماجرا را به عرض رساند. اینجا بود که آیه مبارکه نازل شد: «قُلْ لِلْمُؤْمِنینَ یَغُضّوا مِنْ ابْصارِهِمْ »الى آخر. (۲۳)**

**د) محارم**

**استثناء دومی که برای پوشش زینتها وجود دارد، محارم هستند، همچنانکه قرآن می فرماید: «وَلَا یُبْدِینَ زِینَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ…»الی آخر.**

**در استثنای اول فقط آزاد گذاشتن زینت هایی را که نمایان بود را جایز می دانست ولی افراد وسیع تری(عموم مردم) را شامل می شد و در استثناء دوم مواضع بیشتری را جایز می داند که آشکار باشد ولی افراد کمتری را شامل می شود.**

**افرادی که در آیه از آنها نام برده شده همان محارم در اصطلاح فقه ما هستند که عبارتند از:**

**۱) لِبُعُولَتِهِنَّ (شوهران)**

**۲) أَوْ آبَائِهِنَّ (پدرانشان)**

**۳) أَوْ آبَاء بُعُولَتِهِنَّ (پدران شوهرانشان)**

**۴) أَوْ أَبْنَائِهِنَّ (پسرانشان)**

**۵) أَوْ أَبْنَاء بُعُولَتِهِنَّ (پسران شوهرانشان)**

**۶) أَوْ إِخْوَانِهِنَّ (برادرانشان)**

**۷) أَوْ بَنِی إِخْوَانِهِنَّ (پسران برادرانشان)**

**۸) أَوْ بَنِی أَخَوَاتِهِنَّ (پسران خواهرانشان)**

**۹) أَوْ نِسَائِهِنَّ (زنان)**

**۱۰) أَوْ مَا مَلَکَتْ أَیْمَانُهُنَّ (کنیزانشان)**

**۱۱) أَوِ التَّابِعِینَ غَیْرِ أُوْلِی الْإِرْبَهِ مِنَ الرِّجَالِ (خدمتکاران مرد که [از زن] بى‏نیازند)**

**۱۲) أَوِ الطِّفْلِ الَّذِینَ لَمْ یَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاء (کودکانى که بر عورتهاى زنان وقوف حاصل نکرده‏اند)**

**ذکر این نکته نیز لازم است که اگر آرایش و یا برهنگی زن در جلوی دید محارم، سبب تحریک شدن یکی از محارم شود، بر زن لازم است که خود را بپوشاند. پس سزاوار است که زن در برابر محارم خود (به استثنای شوهر) تقوا و متانت جنسی را نیز رعایت کند.**